

غزل شماره ۴۰۲

نکته ای دلکش بگویم خال آن مه روبین
عقل و جان را بسته ز نخیر آن کیو بین

عیب دل کردم که وحشی وضع و هر جایی ماش
گفت چشم شیر کیر و غنچ آن آهو بین

حلقه زلفش تماشاخانه باد صباست
جان صد صاحب دل آن جابسته یک مو بین

عبدان آفتاب از دلبر ما غافل اند
ای ملامت کو خدارا رو مبین آن رو بین

زلف دل دزدش صبارا بند بر کردن نهاد
با هواداران ره رو حیلۀ هند و بین

این که من در جست وجوی او ز خود فارغ شدم
کس ندیده ست و نیند مثلش از هر سو بین

حافظ ار در گوشه محراب می نالد رواست
ای نصیحت کو خدارا آن خم ابرو بین

از مرادشاه منصور ای فلک سر بر متاب
تیزی شمشیر بگر قوت بازو بین

تفسیر فال

شما ممکن است بر این باور باشید که زندگی را باید در یک مدت کوتاه به خوشی و لذت سپری کرد. هر چقدر هم که دیگران به شما توصیه کنند که به آینده فکر کنید، ممکن است با خود بگویید که در حال اندیشیدن به آن هستید، اما در واقع از حقیقت غافل شده‌اید. دوستانتان ممکن است با ترفندها و نیرنگ‌های مختلف از شما بهره‌برداری کنند و شما هیچگاه متوجه نشوید که روزی خواهد رسید که از لذت‌ها و شادی‌های زندگی سیر شده‌اید، زمانی که دیگر هیچ امیدی برای شادمانی باقی نمانده باشد. بنابراین، لازم است آگاه باشید و سرکش نباشید؛ از قدرت و توانایی‌هایی که اکنون دارید بهره ببرید. زمان برای خوشی کردن همیشه وجود دارد، اما باید بدانید چه زمانی باید مسئولانه عمل کنید تا در آینده دچار کمبودها و ناامیدی نشوید.

به کوشش : [پارسی دی](#)

منبع تفسیرها: [آلامتو و سلام دنیا](#)